



نگاهی به نوع مواجهه انقلابی ها با مفاهیم

## لزوم نجات جهاد تبیین

محمدحسین کهنودی فاضل

صفحه ۲

### در این شماره | می خوانیم ...

#### سخن سردبیر

روشننگری و جهاد تبیین کلید واژه هایی کلان و پرتکرار در بیانات سالهای اخیر مقام معظم رهبری است. بررسی سیره اتمه اظهار و تاریخ معاصر نمایانگر آن است که هر یک از نهضت های اسلامی اخیر و گفتمان های مطرح در اثر فقدان راهبرد در امر تبیین و اقلان سازی نه تنها به نتیجه نرسیده بلکه در مواردی به ضد خود تبدیل شده اند؛ همانا وظیفه امروز ما «تبیین» است، تبیین و روشننگری در راه و صراط مستقیم ولایت. بی شک وظیفه ما سخت تر خواهد بود چرا که در سالهایی ابتدایی انقلاب حضرت امام (ره) با شبکه سازی میان مساجد و همراهی مردم انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند و امروز ما وظیفه حفظ و نگهداری از همان آرمان های فراموش شده را داریم و در مقابل با آرایش رسانه ای مواجه هستیم که با نفوذی موربانه وار و به وسیله ابزارهایی تعاملی، هوشمند و ذائقه ساز و در بستر جنگ شناختی ادراکی ترکیبی خواهان نابودی این نظام الهی هستند، به راستی که کربلای امروز ما در همین زمان و مکان است و ما مدعیان جبهه حق و وظیفه آن داریم که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را با لبیک گفتن بر دعوت جهاد ولی فقیه جامعه به منصفه ظهور برسانیم در این شماره از حنیفا به موضوع تمام نشدنی حنیفا میپردازیم.

صفحه ۳

جهاد تبیین بسیار مورد توجه رهبری است و ایشان...

#### فرمان جهاد، در برابر جنگی تمام عیار

صفحه ۳

تبیین، پرتکرارترین کلیدواژه ی این روزها که ...

#### این بار در ردای فرماندهی

صفحه ۴

تحولات امروز کره زمین را نمیتوان بیرون از...

#### امپراتوری ارتباطات

صفحه ۴

جهاد تبیین، مسئله ای که به واسطه...

#### جهادشعارزدگی

صفحه ۵

این روزها در میان جماعت حزب الهی واژه ای...

#### رسانه، خطمقدم جهاد تبیین

صفحه ۶

در خدمت آقای سید حمیدرضا میررکنی...

#### جهاد تبیین و کج فهمی ها

## لزوم نجات جهاد تبیین

نگاهی به نوع مواجهه انقلابی ها با مفاهیم

محمد حسین کهوندی فاضل



روایت سالم به جای توجه صرف به نقاط مثبت، باید همه جوانب را در نظر گرفت. برای کشف این زبان روایت درست باید کوشید و باید با کمک آن مقابل روایت‌هایی بیرونی ایستادگی کرد. بارها رهبری فرموده‌اند که اگر ما روایت نکنیم، بیگانگان روایت خواهند کرد، اما به‌راستی چقدر عمل به این حرف در ارکان نظام جمهوری اسلامی رعایت می‌شود؟ برای اجرایی کردن این مفهوم در ابتدا باید مسئولین نظام خود را مخاطب اولیه جهاد تبیین بدانند و در تمامی تصمیم‌گیری‌های خود مسئله جهاد تبیین را مدنظر قرار دهند. اما زمانی که مسئولین توانایی گفتگو و تعامل با مردم را ندارند چگونه می‌توان انتظار داشت که آنها در مقابل روایت‌های بی‌شمار دشمنان، موفقیت‌های انقلاب اسلامی را به‌درستی تبیین کنند؟ اصل حیاتی جهاد تبیین صحبت با اقشار مختلف مردم به شکلی بی‌پرده است. صداوسیما به‌عنوان اصلی‌ترین رسانه جمهوری اسلامی مسئولیتی سنگین در این مورد خواهد داشت و نمی‌تواند با رویکردهای سابق خود این مسئولیت خطیر را با موفقیت به پایان برساند.

در مجموع برای پرداختن به مفهوم جهاد تبیین و اداء این فریضه فوری در ابتدا باید نسبتی میان خود و نظام فکری انقلاب اسلامی و رهبری پیدا کنیم. باید باور کنیم که تنها با صرف هزینه‌های هنگفت و برگزاری همایش‌ها و چاپ انواع کتاب‌ها نمی‌توان آن‌گونه‌ای عمل کرد که مدنظر رهبری است. در نهایت این خطر احساس می‌شود که نوع پرداخت به مسئله جهاد تبیین از طرف انقلابیون نوعی سطحی و کودکانه باشد که حاصل آن چیزی جز از بین رفتن اهمیت این فریضه در جامعه نخواهد بود.

مجلس واکنشی به انتقادات و مخالفت‌های برخی از انقلابیون نکرد تا رهبری خود مجبور به اعلام مخالفت صریح شوند.

جهاد تبیین ذاتاً یک مسئله فرهنگی است که نیازمند کشف زبان صحیح آن، جهت مخاطب با مردم جامعه است از همین رو رهبری در آخرین دیدار خود با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در سال گذشته متذکر شدند: «سلاح تبیین یک بخش نرم‌افزاری مهمی دارد؛ در اینجا بایستی نوآوری صورت بگیرد، بایستی سخن نو گفته بشود و شیوه‌ی نو در بیان ذکر بشود». این صحبت به این معناست که باید از شیوه‌های نوین و کارآمد جهت صحبت با مردم استفاده کرد. هرچند که شیوه‌هایی قدیمی مانند منبر و یا مداحی هنوز هم‌توان و گشت‌لازم جهت احقاق این امر را خواهند داشت.

برداشت‌ها و کنش‌های کودکانه و سطحی توسط افراد به‌ظاهر انقلابی، نسبت به مفاهیمی که ولی‌فقیه جامعه از آن‌ها استفاده می‌کند ما را دچار بحران خطر ابتدالی مفاهیم می‌گرداند. زمانی که نگاه سطحی و مقطعی به یک مسئله ایجاد شود و نوع نگاه کارآمد و مستمر نباشد کم‌کم این مسئله با مفهوم بار معنایی و اهمیت خود را در جامعه از دست می‌دهد. باگذشت بیش از چهار سال از انقلاب در پیدا کردن نوع روایت مخصوص به خود ناموفق بوده‌ایم و نتوانسته‌ایم خود راوی حوادث باشیم. این روزها در جبهه انقلاب اسلامی نیازمند حضور امثال سید مرتضی آوینی هستیم که زبان رسانه را می‌شناسند و نسبت خود را با اصول انقلاب اسلامی پیدا کرده‌اند و با کمترین امکانات هم می‌توانند روایتی اصیل و جامع از میدان بدهند. زبان روایت زبان توجیه و ماست‌مالی کردن نیست، بلکه زبان روایت، زبانی اقناع‌کننده و تأثیرگذار است. در

حتماً این روزها کلمه جهاد تبیین به گوشتان خورده است، کلمه‌ای که بعد از دیدار رهبری با هیئت‌های دانشجویی در روز اربعین سال گذشته برای اولین بار به طور جدی سر تیر خیره شد. استفاده از این عبارت در سخنرانی‌های بعدی ایشان نشان دهنده اهمیت این موضوع در وضعیت فعلی جامعه بود. بعد از این صحبت‌ها، شاهد موج عظیمی از واکنش‌ها از طرف انقلابی‌ها بودیم که سعی در انجام این فریضه به شکلی فوری داشتند اما عدم شناخت و فهم کامل از «جهاد تبیین» باعث نگرانی بخشی از صاحبان اندیشه و دلسوزان انقلاب شد زیرا این اولین بار نیست که انقلابی‌ها دچار احساسات زودگذر شده و با رویکردی صرفاً نمایشی و غیر کارشناسی نسبت به این‌گونه مفاهیم عمیق، خوانشی متفاوت و بسیار دور از دیدگاه رهبری را در جامعه عرضه می‌کنند. درگذشته نه چندان دور نیز مفاهیمی مانند «آتش به اختیار» و یا «اقتصاد مقاومتی» از جمله مفاهیمی بودند که رهبری بارها در سخنرانی‌های خود از اهمیت آن و عملیاتی کردن آن صحبت کردند اما نوع مواجهه و خوانش انقلابیون با این مفاهیم نسبت به نوع نگاه رهبری به مفاهیم ذکر شده از زمین تا آسمان تفاوت داشت و همین تفاوت باعث شد تا جامعه به سمت عملیاتی کردن آن مفاهیم ارزشمند حرکت نکنند. برای مثال در همین مقوله جهاد تبیین، مجلس به اصطلاح انقلابی طی چند روز، بودجه‌ای عظیم برای اجرایی شدن این بار نیز قرار است مفاهیم ارزشمند با پول پاشی، تشکیل سازمان و قرارگاه، برگزاری همایش و نشست قربانی عدم شناخت عمیق و جو زدگی‌های مسئولان شود. تأسف بارتر آن‌که بعد از رسانه‌ای شدن اختصاص هزار میلیارد تومان توسط مجلس جهت موضوع جهاد تبیین،

## فرمان جهاد، در برابر جنگی تمام عیار

طاہرہ پرتوی

مفهوم این حدیث از امام صادق (ع) را احیا امر و زنده نگه داشتن مکتب اهل بیت دانسته و این مهم را جزء سخت‌ترین و خطرناک‌ترین کارها و جهادی عظیم می‌خوانند. حال که مفهوم کلی جهاد و اهمیت جهاد تبیین مورد بررسی قرار گرفت، باید توجه شود؛ مسائلی از قبیل «سبک زندگی اسلامی ایرانی» و «فرهنگ» که در کلام رهبری بسیار مورد تأکید هستند، در جهاد تبیین مورد توجه قرار گیرند. رهبر از جوانان روشن ضمیر و دانش‌جویان می‌خواهند جهاد تبیین را وظیفه خود بدانند و می‌فرمایند: افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. ایشان البته تبیین را با شیوه‌ای اخلاقی، منطقی و عقلانی سفارش می‌کنند و در این خصوص هشدار می‌دهند که ما با ذهن‌ها.. با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است.

عرصه‌ای باید جهاد کرد؛ این خیلی مهم است. تشخیص عرصه جهاد از چنان اهمیتی برخوردار است که رهبری در این خصوص می‌فرمایند: در جنگ‌های سخت با سلاح‌های قدیمی دیگر نمی‌شود جنگید. امروز با شمشیر و با نیزه و با این چیزها، نمی‌شود به جنگ توپ و موشک و مانند این‌ها رفت. در جهاد تبیین هم همین جور است؛ با شیوه‌های قدیمی [نمی‌شود کار کرد]... از لحاظ ابزارهای گوناگون بایستی به روز حرکت کرد... کارهایی که بایستی انجام بگیرد، از لحاظ سخت‌افزاری در دسترس است؛ مهم بخش نرم‌افزاری قضیه است. سلاح تبیین یک بخش نرم‌افزاری مهمی دارد؛ در اینجا بایستی نوآوری صورت بگیرد، بایستی سخن نو گفته بشود و شیوه‌ی نو در بیان ذکر بشود... ایشان به جهاد تبیین در سیره ائمه چنین اشاره می‌کنند: ... جز حضرت امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین که با شمشیر جنگیدند، بقیه‌ی ائمه با شمشیر ننگیدند و جهادشان، «جهاد تبیین» بود... رهبر انقلاب با اشاره به آیه (قَاتِمَا عَلَیْكَ التَّلَاحُ)، رسالت اصلی پیامبر (ص) را تبیین معرفی می‌کنند و با اشاره به حدیث (أَحْیَاوْا أَمْرَنَا)

جهاد تبیین بسیار مورد توجه رهبری است و ایشان مکرر در فرمایشاتشان به آن اشاره می‌کنند. تا حدی که رهبری در دیدار با مداحان دعا فرمودند «پروردگارا! ما را سربازان جهاد عظیم این روزگار که «جهاد تبیین» است، قرار بده.» لیکن برای فعالیت در این حوزه ابتدا باید مفهوم اصلی جهاد و تبیین را مشخص کنیم؛ رهبری جهاد را چنین تعریف می‌کنند: ... جهاد یعنی تلاش در مقابله‌ی با دشمن؛ هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش میکنند... که خوب و به‌جا است، اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ ... در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام می‌گیرد. شما [اگر] کار اقتصادی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه‌ی دشمن، می‌شود جهاد؛ این‌ها همه جهاد است... مهم این است که ما عرصه‌ی جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه

## این بار در ردای فرماندهی

حنانه مولوی

می‌کند تیمی را هم سازماندهی کند و اهدافش را پیش ببرد. اگر هم قشری باشد که اوضاع برایش تفاوتی نکند، دانشجوی این دغدغه مندی را از او مطالبه می‌کند. حالا فرض کنید دشمن بتواند این مطالبه‌گری را به سود خود به کار بگیرد. میشود همان قضیه پیاده نظام. اما از مطالبه‌گری گفتیم، فارغ از اهمیت روحیه جمعی جوان در جهاد تبیین، دیدیم که تا بوده دانشجوی در جایگاه طلب بوده و معلوم نیست کی خودش مورد مطالبه واقع میشود! مسئولیت‌سنجینی که رهبری در این عرصه متوجه جوانان کرده تلنگری است تا این بار ما قشر دانشجو در جایگاه فاعلیت قرار بگیریم و این بار اگر کم کاری در سنگر فرماندهی دیدیم از خومان مطالبه‌گری کنیم!

در دیدارهای دانشجویی به چندین روش تبیین اشاره کردند که محوریت همگی آن‌ها ارتباطات جمعی و رسانه است. منطقیست، چرا که کار در جهاد تبیین اقلان هست و ابزار اقلان هم کلام. به اقدامات دشمن هم که نگاه میکنیم میبینیم پروژه‌های کلان فکری شان در عرصه تولید محتوای رسانه ایست. به نحوی حتی از فرامتن تبلیغ‌های ساده نیز برای تحریف واقعیات استفاده میکنند که مخاطب نداند از کجا خورده!

اما مطلب مهم دیگری که با نگاه کردن به اقدامات جبهه مقابل میبینیم، مخاطب هدف اوست. تمرکز جریان فکری معاند کاملاً بر روی جوانان است. چون اولاً جوان امروز اهل عمل است. اگر دغدغه‌ای برایش شکل بگیرد منفعلانه عمل نمیکند و منحصر نیست به صرف تحصیل. در همین دوره کنونی هم دیده‌ایم اکثر جنبش‌ها و جریان‌ها را جوانان رهبری کردند.

دومین علت تمرکز جریان معاند بر جوان روحیه جمعی اوست. جوان دغدغه‌مند نه تنها خودش دست به عمل میزند بلکه تلاش

تبیین، پرتکرارترین کلیدواژه‌ی این روزها که تا تبدیل کردن آن به شعار فاصله‌چندانی نداریم، و نگرانی جایی بیشتر میشود که رهبری فرمود همین تبیین است که اساس کار ماست. از نگرانی‌ها که بگذریم میرسیم به جان کلام، نقطه‌ای که می‌گوید تبیین همان فرق اساسی تفکر اسلامی و مارکسیست است. در حقیقت هر جامعه با دو عنصر مهم برای تحقق اهدافش روبه‌روست. اول افکار عمومی و سپس اعمال عمومی.

جامعه اسلامی می‌گوید در گام اول، ما با ذهن‌ها مواجهیم، و کارمان میشود اقلان و تبیین و شبیه زدایی. تفکر جامعه که طالب شد ناخودآگاه اعمال هم همراه میشود. پس افکار عمومی کاملاً تقدم دارند. همین هم هست که در دوران معاصر قدرت‌ها را سوق داده به جنگ عرصه تبیین. دشمن فهمیده که مردم تابع بینش خودشان هستند و اگر موفقی شود حقیقت را در چشم مردم تحریف کند، توانسته در جغرافیای رقیب، پیاده نظامش را پرورش دهد. پس تبیین در مقابل تحریف است. اما این تقابل چگونه باید انجام شود؟ رهبری





## امپراتوری ارتباطات

تحولات امروز کره زمین را نمیتوان بیرون از سیطره القائات تبلیغاتی منتشر در امپراتوری ارتباطات بررسی کرد. امپراتوری ارتباطات فضایی است یکپارچه که ساخته وسایل ارتباط جمعی ست. و ساکنان این امپراتوری که سراسر کره زمین را پوشانده اند نیز بی آنکه خود بدانند تحت سیطره حاکمیت واحدی هستند که همان وسایل ارتباط جمعی آن را فراهم آوردند.

در این دهکده جهانی که امروز جهان را خلاصه کرده یک هویت واحد وجود دارد که انسان های کره زمین را اسیر نظام ارزشی واحدی ساخته. نمونه اش تعبیری چون جهان سومی، عقب مانده در مقابل پیشرفته و... است که عموم جهان آنها را پذیرفته اند. اما مگر پس و پیش جهان کجاست که برخی پیش رفته اند و برخی پس مانده؟ آوینی استعمال این تعبیر را بیماری زبان میدانند که یعنی بیماری ادب و فرهنگ، یعنی بیماری تفکر و تعقل، سرگستگی و انحراف در مسیر و مسیر.

نکته ای که شاید امروزی ترین تفسیر از قدرت این امپراتوری در القای مفاهیم باشد این است که شبکه های گسترده امپراتوری ارتباطات در جهت حفظ وضع موجود و استمرار آن، با هر جنگ و انقلابی مخالفت می ورزند، اما در مواقع لزوم و به جهت مصلحت کدخدای این دهکده، چشم اغماض بر جنگ می بندند.

آنچه از شعار های صلح طلبانه میبینیم همان ندایی است که «ما» باید بشنوم، نه اسرائیل! و نه هیچ کشور جنگ طلبی که در جهت منافع این امپراتوری جهان خواری می کند. مردم جهان اگر ترس از مرگ و عدم آرامش بر تفکراتشان سایه نمی انداخت در میافتند که چقدر از وضع موجود خسته اند. کره زمین خسته است و نیازمند عالم معنا. جنگ های مردمان جهان با یکدیگر اگر جهاد مقدس دینی نباشد، لاجرم مبتنی بر قدرت طلبی است.

## جهاد شعارزدگی

محمد رضا جویباری

جهاد تبیین، مسئله ای که به واسطه سخنان رهبر انقلاب اسلامی، این روزها جزو تیتز های یک محافل خبری و رسانه ای درباره وظیفه یک عنصر انقلابی بود. اما به راستی، وظیفه و کارکرد دانشجوی علوم ارتباطات و حتی کسانی که در این موضوع و تخصص به فعالیت میپردازند چه کاری است؟ همین ابتدا مهمترین نکته ای که باید خطاب به امت مذهبی و انقلابی گفت این است که درگیر جو روانی یک اصطلاح یا کلمه نشوند. ما اساسا جو زده شده ایم در هر موضوع! تا مدتی حرفش را میزنیم و کارگروه های همان موضوع را میزنیم، تا آب از آسیاب افتاد، همه آن مسائل را یادمان میروید و فقط یک کادکست روی میز اداره ها و موسساتمان از آن باقی میماند! بیشتر از یک دهه شعار های سالانه رهبری بر اساس اقتصاد گفته میشود و نهایت کار صدا و سیما جمهوری اسلامی و اداراتمان یک نوشته در کنار آرم شبکه یا بنر سر در اداره میشود. امروز هم مثل اینکه همه درگیر «کلمه» جهاد تبیین شده اند. انگار باید در جمهوری اسلامی قسم بخوریم که مفهوم کلمه، مهم تر از واژه است. اما رسالت من به عنوان دانشجو علم ارتباطات و هم رده های ما در چیست؟ دقیقا نقطه اساسی و ضعف اصلی ما در حوزه های اینها سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... عدم تبیین واقعات سازی در موضوعات مهم و ریشه ای در این موارد است. یعنی حتی اگر کاری به نفع و سود جامعه و مردم انجام شود ولی برای توده جامعه، آن مسئله توضیح داده شود و افناعتی صورت نگیرد، نه تنها به سود کشور نیست، بلکه آثار مخرب آن تا مدت

ها یا همیشه باقی میماند. حتی ما اصلا نتوانستیم به شکل هنرمندانه، خیلی دقیق و ظریف دست آورد ها و خدمات انقلاب اسلامی را به مردم خودمان بازگو کنیم و نتیجه اش می شود همین که جمهوری اسلامی ایران از نگاه مردمش، نظامی بازنده است، در صورتی که حقیقتا چنین نیست؛ خب مشکل با یک فیلم خوب ساختن حل می شود؟ با یک بازی کامپیوتری؟

یا حتی نوشتن من و امثال من در نشریه ها و خبرگزاری های مختلف؟ حقیقتا چنین نیست. ریل انفعال فرهنگی، رسانه ای در درون خط انقلاب اسلامی ما سالهاست قرار داده شده. تعویض ریل هم به این راحتی ها از درون سیستم ها شکل نمیگیرد. ابتدا باید این را درک کنیم که حقیقتا ما در دوران موج های رسانه ای و روانی جهان سایبر، غرق شده ایم و متاسفانه چون خودمان تولید موج و حرکت جمعی رسانه ای نمی کنیم. درگیر موج منفی دشمن می شویم «نهایتا هر حرکتی هم در میان حجه آنها انجام شود، بی اثر و بی کاربرد میماند، مهمترین حرکتی که دانشجوی های این حیطه، میتوانند انجام دهند، ایجاد گروه های رسانه ای در موازات با حرکت های انفعالی یا منفی جریان مقابل باشد. خیلی نباید تحركتمان را به دولت ها و حاکمیت ها وابسته کرد. ایجاد گروه های مستقل با پشتوانه فکری و ایده های جدید رسانه ای، فرهنگی میتواند مهمترین وسیله برای تحقق ایده تبیین شود.

## رنج های بی راوی

فاطمه قربانی

تاریخ، راز های زیادی در خود دارد. گذر زمان و فراموشی مردمان، دو عامل ضعف حافظه تاریخی ملی اند که منجر به فراموشی حوادثی میشوند که در ابتدای ظهور، بزرگ و غیر قابل اغماض اند. فراموشی عامل ضعف بشر است در برابر رنج هایی که کشیده. رنج هایی که یا دردشان فراموش می شود، یا عامل درد و یا هر دو.. تاریخ، گورستان رنج های فراموش شده ایست که ردشان بر پیشانی چروکیده اهالی باقی مانده از آن روزگار به جا مانده. اما راوی آن رنج ها کیست؟ چه کسی صحت روایات به جا مانده را ضمانت میکند؟

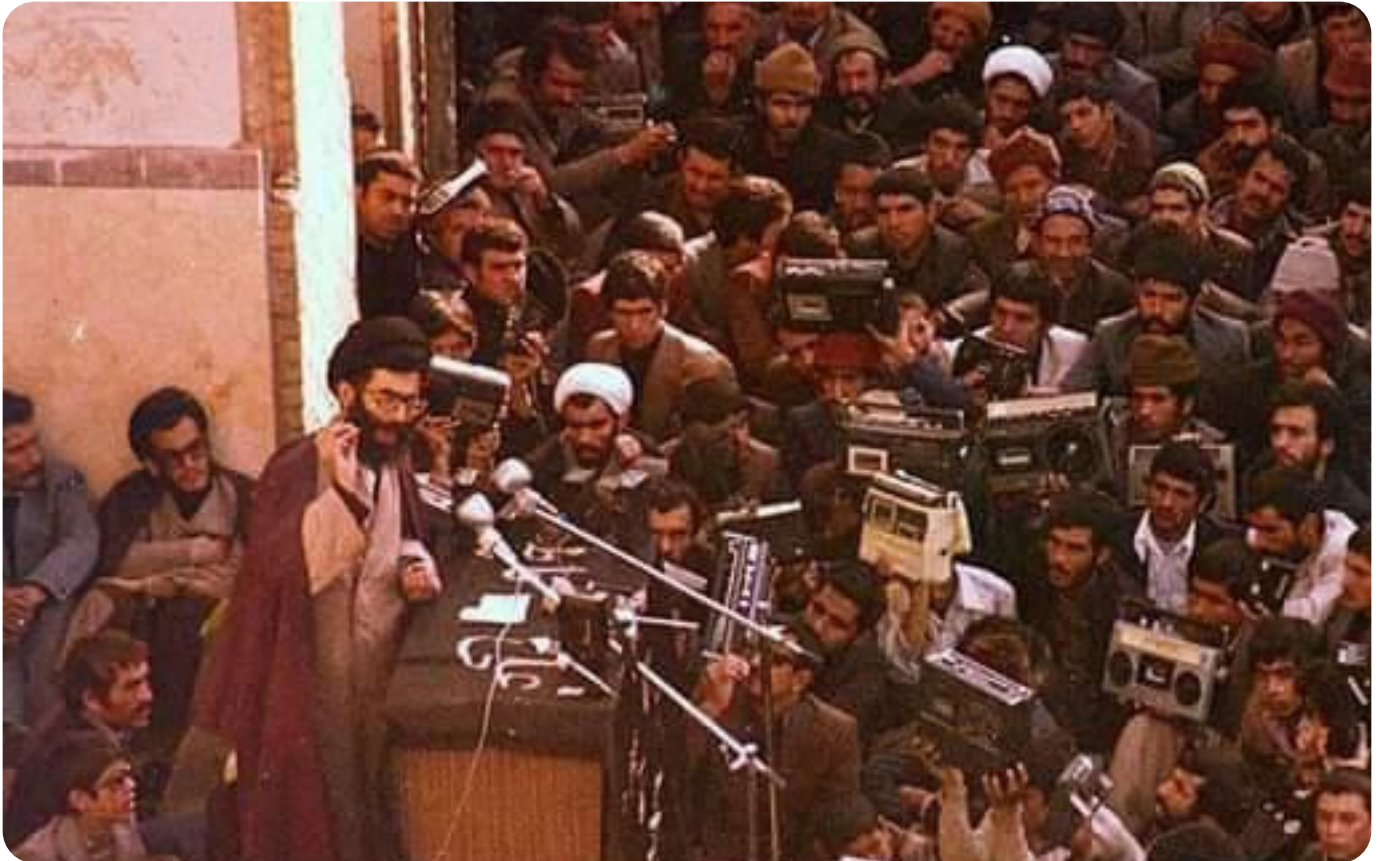
روزگار ما چگونه روایت خواهد شد؟ تاریخ یک کشور، زنجیره ای اتحاد و هویت ملی آن است و زمانی که اتصال ملت با زنجیر تاریخ قطع شود، دیگر در فضای بی هویتی، متصل به هویت بیگانه می شود و نامی از او باقی نمی ماند. حافظه تاریخی مردم و آنچه که باهم از سر گذرانده اند، بخش بزرگ هویت ملی مردم را شکل میدهد و فراموشی این اشتراکات تاریخی ملی، فراموشی هویت ملی را در پی دارد. به عبارتی تاریخ، رگ حیات هویت ملی ست و تبیین شفاف و ثبت روشن آن، ضامن و پاسبان حافظه ای تاریخی مردم است. بسیار شنیده ایم که تاریخ، درس عبرت است و آینه آینده. نقش تاریخ در ریل گذاری اهداف و انتخاب مسیر پیشرفت آینده کشور بر هیچ کس پوشیده نیست و استفاده از تجارب گذشته ی حاکمیت ها و بررسی علل شکست ملت ها، برای حفظ قدرت کنونی لازم و واجب است. پنهان نگهداشتن ابعاد حقیقی وقایع و عدم اهتمام به روشن سازی آنها برای مردم، منجر به بروز و

ظهور تحلیل ها و تفاسیر گوناگون از طرف جریان های مختلف و حتی مخالف با خط فکری سیستم میشود. از طرفی انباشت تحلیل هایی که نمی توان نسبت به صحت آنها اطمینان داشت، منجر به برداشت های نادرست از حقیقت میشود. حالا با شبکه ای از اطلاعات نادرست و مخالف با حقیقت رو به رو هستیم که مانند مرضی ویروسی میان افکار عمومی مردم شیوع پیدا میکند. لذا روشنگری و شفاف سازی حوادث برای مردم، آگاهی آنان را در پی خواهد داشت و خصلت بارز مردمان آگاه، اتحاد آنهاست.

بسیاری از وقایع در کشور ما وجود دارند که نیازمند تبیین و افشای حقیقت اند اما هر بار با برجسب هایی چون امنیتی بودن و یا بزرگنمایی جریان های مخالف، همچنان پشت پرده های ابهام باقی مانده اند. سوالات و استقهامات ذهنی کماکان بی پاسخ مانده و یا در میان پاسخ های مختلف و بعضا نادرست، سرگردانند. اساسا رها کردن افکار مردم و عدم اهتمام به ابهامات و پرسش ها و استقهامات ذهنی ایشان، راه را برای تحلیل دیگری های بیگانه هموار می کند. در روزگاری که قلم، در مقابل توپ و تانک و تفنگ قدرت نمایی می کند، اغفال از تبیین و اهمال در ثبت صحیح و روشن حوادث، خیانت به جبهه خودی ست.

حالا اگر ما راوی درد ها و افتخارات و شکست هایمان نباشیم، چه کسانی آنها را روایت خواهد کرد؟ چگونه روایت می شویم؟





## رسانه، خط مقدم جهاد تبیین

مهدی زواران حسینی

یادداشت

تبدیل شده است. ازین جهت که در یک لحظه از طریق رسانه میتوان یک جمعیت کثیری را تحت تأثیر قرار داد و از طرف دیگر هم بوسیله مخاطب نمیتوان به جنگ انحرافی رفت که دشمن در حال رقم زدن آن است. البته که این موارد همچنان هم جزو نکات پراهمیت و متأسفانه روی زمین مانده هستند. در اثبات این مدعا هم میتوان به توصیه رهبری در دیدار دانشجویی سال ۱۳۹۵ رجوع کرد. آنجا رهبری تبیین و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی را بر عهده دانشجویان میگذارد. اما حالا پس از گذشت پنج سال، این رسانه است که باید پرچمدار این تبیین باشد. در کنار این ازدیاد توجه ها به سازمان صداوسیما، میتوان نیم نگاهی هم به دیگر رسانه داران کشور انداخت. سازمان ها و رویداد هایی که بصورت مستقیم در تولیدات رسانه ای نقش دارند اما کمتر از میزان تأثیرگذاری آنها از آنها مطالبه ای صورت گرفته است. سازمان های سینمایی و رسانه ای، بنیاد های دخیل در امر تولیدات و از همه مهم تر جشنواره فجر. پرداختن به مسئله جشنواره فجر که بالقوه میتواند تأثیرگذار ترین رویداد سینمایی کشور باشد ولی از چیزی که میتواند باشد تا چیزی که هست بسیار فاصله دارد، خود نیازمند مطالبی مستقل است. اما در هر حال و بعد از گذشت چند ماه از مطرح شدن مفهوم جهاد تبیین، چیزی که مهم است، عملی شدن این جهاد است. امید است که این توصیه رهبری به سرنوشت توصیه های دیگری که پس از مدتی یا درگیر قرارگاه شدند و یا به فراموشی سپرده شدند، نشود.

است. حالا برای اینکه ببینیم نسبت این وظیفه جهاد با وظیفه ای که رهبری بطور کلی برای رییس جدید صداوسیما تکلیف کرده بودند چه ارتباطی دارد، بد نیست به متن حکم ایشان برای آقای جبلی مراجعه کنیم: «رسانه ای ملی، دانشگاهی برای ارتقاء سطح آگاهی و معرفت عمومی، و آوردگاهی برای مقابله با امواج خصمانه ی تحریف و تفتین، و آسایشگاهی برای بهره مندی چشم و دل همگان از جلوه های زیبایی و هنر، و قرارگاهی برای پراکندن امید و نشاط در فضای عمومی کشور است. هدایت فرهنگی، تقویت روحیه و احساس هویت ملی و انقلابی، ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی، و افزایش همبستگی ملی، در شمار اولویت هائی است که باید با ارتقاء سرمایه ی انسانی و رشد کیفی برنامه ها و بهره گیری از ابتکار و پاتلاش شبانه روزی به آن دست یابید ان شاء الله.» در متن بالا به کلید واژه هایی نظیر آوردگاه و قرارگاه برمیخوریم. واژه هایی که اگرچه باید در بطن کار فرهنگی و رسانه ای فهم بشوند، اما همچنان درون مایه جهادی و مبارزه ای خود را دارند. حتی در توضیح دانشگاه بودن صدا و سیما هم قرابت آن با تبیین به چشم میخورد. نگارنده قصد ایجاد پیوند های عجیبی را بین این موارد ندارد اما اگر پیشفرض ما در تأثیر گذارترین ابزار جهاد تبیین رسانه باشد از همین جملات حکم انتصاب میتوان پی برد که این یک رابطه دو طرفه است. اگر روزگاری اولویت در مخاطب و مواجهه چهره به چهره و یا فعالیت های دانشجویی و حلقه های میانی بود، حال رسانه است که به اولویت اصلی اقتاع و تبیین

این روزها در میان جماعت حزب الهی واژه ای جدید به سرعت در حال استعمال است. جهاد تبیین. اگرچه برای تبیین جهاد تبیین از جزوه ها، کتاب ها و حتی قرارگاه هایی که برخی بزرگواران تدارک دیده اند هم میتوان استفاده کرد، اما شاید برای ما دانشجویان که هنوز درگیر مباحث بودجه و طرح و پروژه نشده ایم، مراجعه به خود بیانات رهبری مکفی باشد. ایشان در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش مورخ نوزدهم بهمن سال قبل بر روی کلید واژه ای تأکید کردند که بیشتر در سخنرانی خود در مراسم اربعین حسینی آنرا توضیح داده بودند. یعنی همین عبارت جهاد تبیین و در دیدار مذکور در بیان چستی این جهاد، آنرا با مثالی مرتبط با دیدار آنروز و در چهل و سومین سالگرد دیدار همافران ارتش با حضرت امام یعنی انتشار آن عکس مشهور در روزنامه کیهان توضیح دادند و این یعنی عمده ماهیت جهاد تبیین یک کار رسانه ای است پس از مطالبه و تذکر رهبری حول این مسئله جهاد تبیین که به فرموده ایشان: «جهاد تبیین» یک فریضه ی قطعی و یک فریضه ی فوری است و هر کسی که میتواند [باید اقدام کند]. «طبیعتا یکی از مهم ترین مراکز و سازمان هایی که بلافاصله مامور و مسوول در این رابطه میشود را میتوان صداوسیما دانست. همانطور که خود رهبری هم صریحتا میفرمایند: «در درجه اول خود متولیان رسانه ها مسوولند. چه رسانه ملی چه سایر رسانه ها.» این جمله به وضوح نشان میدهد که رسانه ملی خود وزنه ی سنگینی در عرصه جهاد تبیین از دیدگاه ایشان



## اولویت های جهاد تبیین



- ۱ مبانی ارزشی و تقویت قانون اساسی
- ۲ حاکمیت دین
- ۳ جهاد کبیر و اندیشه مقاومت
- ۴ هویت ملی
- ۵ مذاکره با آمریکا و منطق استکبارستیزی
- ۶ حضرت امام و خط امام
- ۷ اقتصاد مقاومتی
- ۸ اهداف و آرمان های انقلاب
- ۹ دستاورد های انقلاب
- ۱۰ خط میانه انقلابیگری
- ۱۱ پیشرفت
- ۱۲ واقعیت های کشور، منطقه و نظام سلطه

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

با دلایل آشکار و نوشته ها را فرستادیم و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند

### یادداشت

## ان تقوموا لله مثنی وفرادی

فاطمه میرزایی

نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته اند این گوهر گرانبها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری اند!

امام خمینی ره و شاگردان ایشان نیز در برابر رژیم پهلوی، پرورش و هدایت افکار مردم مسلمان بالاخص جوانان بود که این امر با تشکیل جلسات در شهرهای مختلف، جلسات سخنرانی و منبرها در مناسبت های گوناگون، دست به دست شدن کتاب های اندیشمندان اسلامی، انتشار اعلامیه های امام خمینی ره به صورت وسیع در کشور توسط شبکه های مردمی، انتشار صوت های سخنرانی امام خمینی ره و ... صورت می گرفت که هر کدام به طریقی از شیوه های نو مبارزه بهره می جست.

امام خمینی ره با همراه کردن ذهن ها و دلهای مردم توانست تا آنها را در برابر توطئه های رژیم پهلوی برای به حاشیه راندن اسلام و ایجاد انحراف در آن هوشیار کند و مردم را به جهاد در مقابل ظلم به هر شکلی دعوت کند و درباره اهمیت تبلیغ و تبیین در پیش بردن انقلاب اسلامی و همراه کردن عموم مردم در این جهاد در وصیت نامه سیاسی خود میفرماید:

«مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و

«جهاد تبیین» موضوعی است که از مهر ۱۴۰۰ در بیانات مقام معظم رهبری بارها به آن اشاره شده است. لازم است تا در وهله اول به معنای این فریضه زینبی که در برابر توطئه و حرکت دشمن و در میدان جنگ روایت ها بر ما واجب میشود بپردازیم

جهاد در لفظ به معنای جهد و کوشش است اما هر تلاشی جهاد نیست، بلکه جهاد در واکنش به فعالیت نظامی، سیاسی، فرهنگی و ... دشمن است و به تعبیر مقام معظم رهبری «جهاد یعنی تلاشی که هدف گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد»

همچنین مقام معظم رهبری در سال ۹۵ و در دیدار با جمعی از دانشجویان ذیل معنای تبیین می فرمایند: «تبیین اساس کار ما است. ما با ذهنها مواجهیم، با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی افتد، جسمها به کار نمی افتد؛ این فرقی بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است.»

قابل ذکر است که جهاد تبیین و روشنگری امر جدیدی نیست و از آغاز خلقت بشریت و تقابل حق و باطل وجود داشته است. روش

## جهاد تبیین و کج فهمی ها

حسین نصرتی

### در خدمت آقای سید حمیدرضا میررکنی هستیم دانشجوی رشته فلسفه مقطع ارشد و پژوهشگر حوزه تاریخ انقلاب اسلامی

امروز خدمتون رسیدیم که درباره جهاد تبیین صحبت کنیم با ایشان و سوتفاهم هایی که درباره این مسئله پیش آمده به خصوص در جبهه انقلاب و افراد مذهبی من میکروفون رو میدم به دست ایشان صحبت ها را انجام بدهند عرض کنم که حال در مورد جهاد تبیین قبلا نکاتی گفته بودم، امیدونم احتمالاتی که الان میگم تفصیل همون نکات هست تصور بنده اینه که ماجرای اعلام جهاد تبیین به عنوان یک وظیفه همگانی، که هرکسی در هر سطحی میتونه تبیین رو عهده دار بشود در همان مقام تا حد زیادی یک تصمیم سیاسی است یعنی نباید در اعداد تصمیماتی در اعداد اعلاناتی مثلا گام دوم قلمداد کنیم. چون بعضی تصور می کنند که با اعلام جهاد تبیین یک عصر تازه ای شروع شده است در حالی که نه، اینطور نیست! مسئله به نظر بنده از این قرار است که ما یه جورایی میشه گفت از سال ۸۸ که اون وقایع بعد از انتخابات رخ داد یک صورتبندی پر قدرتی از مسائل ۸۸ در بین حزب الهی ها ظهور کرد و اون چی بود؟ اون صورت بندی کل اون مناقشات ذیل مقوله رسانه بود یعنی تصور عمده حزب الهی ها این بود که ما یک شکست رسانه ای خوردیم حالا انگاره های مختلف مثل جنگ نرم مثل هر چیزی که در حوزه مطالعات رسانه مطرح شده بود دیگه آن زمان روی زبان بچه حزب الهی ها افتاده بود همه این رو به زبان می آوردند از همان زمان فعالیت های فرهنگی جریان انقلاب معطوف به حوزه رسانه شد چرا که تصور این بود که ما از آن ناحیه ضربه خورده بودیم و الان شما میبینید همین فضای حزب الهی را اگر نگاهی بیندازید می بینید که مثلاً در هر اتاقی، در هر محفلی چند تدوین گر و مستند ساز دارید. یک دهه از عمر بچه حزب الهی ها صرف مقوله رسانه شده و این به خاطر درک و روایتی بود که در آن زمان ظهور کرد. در واقع ما فراموش کردیم که مسائل واقعی در صحنه وجود دارد که صرفاً اینطور نیست که جواب های حاضر و آماده در صحنه باشه پت های حاضر و آماده در صحنه باشد و صرفاً ما بریم اون ها رو یک روایت رسانه ای از شون بدست بیاریم

ما تصور کردیم که همه چیز هست، نقطه تاملی وجود نداره، حرف ما روشنه، حوزه ما روشنه و ما فقط لنگ روایت رسانه ای هستیم گرچه هر چقدر میگذره ما متوجه می شویم که این طور نیست که درک اون موقع ما، درک خامی بوده است؛ به هر حال فراموش کردیم که مسائلی داریم که این مسائل، مسائل حیاتی هستند

و لازم هست بهشون فکر بکنیم. خب طبعاً چون از این موضع عقب نشینی کردیم، صورت بندی ها را حاضر و آماده نصب کردیم و در واقع نقطه تامل را از دست دادیم به همان میزان هم گفتار سیاسی خودمون رو از دست دادیم، گفتار سیاسی ما ضعیف شده است. یعنی ما اساساً از نقطه ی گفتار سیاسی پا پس کشیدیم و به گفتار های رسانه ای و تبلیغی و اینها هجرت کردیم. ظهور اون پا پس کشیدن از آن نقطه تامل، از آن گفتگوهای سخت و دشوار و اساسی الان خودشون نشون میده. ظهور آن الان است که در واقع ما دولت دستمونه، دولت داریم ما حزب الهی ها الان دولت داریم اما بیش از هر زمان دیگری لایم. دولت ما دولت لالی است. یعنی شما هیچ موضع روشن و آشکار و قابل دفاعی نمی بینید در دولت. شعار فراوان هست، شعار و حرف و کنش های رسانه ای خصوصاً کنش های رسانه ای زیاد است، اما موضعی وجود ندارد و اگر کسی به من بگه یا از مردم در کوچه و خیابان از من بپرسند که مثلاً شما وقتی یکی از شخصیت های دولت را می بینید یا اسم دولت را می شنوید، اسم آقای ریسی را می شنوید بیاد چه موضعی می افتی، هیچ موضوع به یاد ماندنی در این دولت ما سراغ نداریم. جز حرف های کلی مثل بازگشت به مردم، رفتن بین مردم و احواپرسی (ناهارخوردی) نقاط بیادماندنی دولت این ها است. موضع به یادماندنی سیاسی دولت ندیدیم و یا نمی بینیم. این محصول این است که ما به مسائلمان فکر نکردیم، وقتی فکر نکردیم تبیینی هم نمیتوانیم داشته باشیم؛ لاجرم لایم. من تصورم این است که آن پا پس کشیدن از نقطه تامل آن پافشاری بر مسئله تبلیغات، مسئله رسانه (حالا ممکن است فرم هم باشد، در واقع تلقی عرفی از فرم) این نقطه ای است که ما را تبدیل به موجوداتی که موضعی نداریم، روایتی نداریم و لاجرم تبیینی نداریم خب در چنین برهه ای خیلی طبیعی است که کار ما این باشد که هر کس در هر نقطه که نشست از همان نقطه خود شروع کند به تبیین مسائل. یعنی می خواهم بگویم مسئله جهاد تبیین (نمی خواهم بگویم یک تکنیک است) ولی یک تصمیم سیاسی است برای اینکه این نقصان فراگیری که در جریان حزب الله و انقلابی وجود دارد، این بی موضعی اساسی، این بی تبیینی اساسی، این بی سخنی اساسی این لالی فراگیر، این بتواند جبران بشود به نحوی، چه بسا اگر دولت ما دولت موضع داری بود، دولتی بود که میتونست حرف قدرتمندی رو شفاف و روشن بیان کند، هیچ موقع نیاز نبود که جهاد تبیین اعلان بشود. چون موضوع روشن بود، آشکار بود، شفاف بود. و وقتی موضع قدرتمند است راه نفوذ خودش را باز میکند دیگه نیازی به فتوای جهاد نیست بنابراین این اعلان در چنین نقطه ای

رخ داده و مقید به همین نقطه هم هست. ما برای فهمیدن مقوله جهاد تبیین دورا داریم، دو جور میتوانیم بشنویم یکی اینکه این رو ذیل همون گفتاری بفهمیم که این فضای لالی رو به بار آورده (یعنی ذیل گفتار رسانه ای بفهمیمش که منظور حضرت آقا اینه برید دیگه، برید کار رسانه ای تولید کنید، کلیپ بسازید، مستند بسازید، میتوانیم اینطور بفهمیمش که در واقع این باز تولید همان نقصانی است که این فرمان را به بار آورده. میتونیم برگردیم به آن نقطه ای که در واقع من اسمش را گذاشتم نقطه گفتار سیاسی یا نقطه گفتار علمی سیاسی، یعنی تبیین را شما به این معنا بفهمید که باید یک روایت علمی سیاسی از امور ارائه بکنید؛ که اگر اینطور باشد، اگر این جوری بفهمیم (خصوصاً برای اصحاب دانشگاه) کسانی که در دانشگاه هستند در هر سطحی. معنا این می شود که در واقع جهاد تبیین، همان دستوری است که سال هاست رهبری به دانشگاه ها و دانشجو ها داده بودند. جهاد تبیین عینا همان جهاد علمی است، که شما بایستید در آن نقطه تامل، پافشاری کنید پافشاری کنید در آن نقطه تامل و موضع شفافیت بتوانی ارائه بکنی از مسائل که اگر اینطور باشه من فکر می کنم اصلاً مسئله جهاد تبیین تغییری توی مناسبات دانشگاه و اصحاب دانشگاه ایجاد نباید بکند. من خودم خاطر هم هست در دوره دانشجویی هم اگر رجوع بکنیم به بیانات رهبری این را می بینیم که رهبری سالهاست مسئله تبیین را دارند به دانشجویان می گویند که کار شما تبیین است. بنابراین این اعلام جهاد تبیین قرار نیست شاکله ای را تغییر بدهد، جهاتی را تغییر بدهد بکنیم که لابد اون تبیینی که رهبری انتظار داشتند از جریان دانشجویی، آن تبیین لابد برآورده نشده است و بنده تصورم بر این است: علتش این بوده است که دانشجو ها رسانه ای فهمیدند، متوجه نبودیم ما که این همان جهاد علمی است، جهاد تبیین همان جهاد علمی است، که آقا بنشین تامل کن و حرف بزن، این تامل مدام رو نگه دار. وقتی چنین نقطه ای رو ما دانشجو ها نتوانستیم احراز بکنیم، فرمان تبیین تبدیل شده به جهاد تبیین که هر کسی هر جایی هست شروع کند هر چی می تواند بگوید، هر چقدر توان دارد بگوید، معتقدم اگر دانشگاه در نقطه ی خودش بایستد، دانشجو ها در نقطه خودشان بایستند و در واقع جهاد تبیین را به معنی جهاد علمی تفسیر بکنند، تنها در این صورت است که احتمالاً گشایش رخ خواهد داد و جهاد تبیین عملی خواهد شد.

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیر مسئول: محمد حسین کهنودی فاضل | سردبیر: امیررضا پشتیبان | نشریه دانشجویی حنیفا